

به نام خدا

تحلیل ابعاد مسئولیت مدنی عاملین خسارات وارده بر فلسطین و غزه، بر مبنای حقوق اسلامی

مهدی بیکی شورکی^{۱*}

۱- دکترای تخصصی حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه، گروه حقوق، مرکز آموزش علمی کاربردی جوادالائمه (ع)، یزد، ایران.

Mahdi_beiki@yahoo.com

چکیده

یکی از موضوعات مهم دنیای اسلام، مسئله فلسطین است که همواره حمایت از مظلوم و ایستادگی در برابر تجاوز ظالم تأکید شده است. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیل و محوریت بررسی حقوقی در مقام تحلیل مسئولیت مدنی خاصه رژیم صهیونیستی بر مبنای موازین اسلامی در مقابل خسارتهای وارده به مردم فلسطین و غزه می‌باشیم. ارکان مسئولیت مدنی شامل رفتار زیان‌بار رژیم صهیونیستی، ورود ضرر به مردم فلسطین و غزه و رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و ضرر وارده مورد بررسی قرار گرفت و این موارد احراز گردید. با توجه به عمدی بودن فعل زیان‌بار توسط رژیم صهیونیستی تقصیر نیز محرز است. عملیات بزرگ طوفان الاقصی حماس و اقدامات مشابه نیز در قالب دفاع مشروع در حقوق اسلامی قرار می‌گیرد. نقش آمریکا در تحقق خسارتهای به مردم فلسطین و غزه حسب مورد به عنوان مباشر یا تسبیب می‌باشد. در مورد شورای امنیت به دلیل ناکارآمدی آن در تحقق اهداف حقوق بشری، با وجود حق وتوی غیرعقلایی، بدون مینا و بدون هیچ قید و شرطی و عدم پاسخگویی هیچ شخص حقیقی و حقوقی، باید تغییرات اساسی حداقل در حذف حق وتو صورت گیرد. برخی کشورها نیز با حمایت رژیم صهیونیستی و یا سکوت در مقابل رفتار آنها به عنوان تسبیب مسئول هستند. راهکارهای حقوقی از قبیل طرح دعوی در مجامع بین‌المللی و حمایت حقوقی از دعای آنها، سیاسی نظیر حمایت سیاسی دولت‌ها از دولتمردان فلسطین، اقتصادی نظیر تحریم این رژیم و عدم خرید کالاهای مرتبط با آن و رساندن کمک مالی به مردم فلسطین و غزه، را می‌توان برای جلوگیری از ظلم این رژیم و سرنگونی آن عملی کرد.

کلمات کلیدی: مسئولیت مدنی، ضرر، رژیم صهیونیستی، تسبیب.

۱. مقدمه

با عنایت به ضرورت دفاع از مظلوم و تجاوزهای نظامی و امنیتی بر علیه مردم فلسطین پرداختن به مسئولیت مدنی و کفایت آن حایز اهمیت است. در مورد مسئولیت کفایتی که سوء نیت متجاوزان با این تجاوزهای عمدی روشن است. حال پرداختن به ابعاد مختلف مسئولیت مدنی رژیم صهیونیستی بر مبنای موازین حقوق اسلامی ضروری است. مسئولیت مدنی خسارات وارده به جان و مال مردم فلسطین یکی از موضوعات مهم در دنیای امروز است. این مسئولیت با ابعاد گوناگونی قابل

بررسی است از جمله آنها رفتار خلاف اصول حقوق خصوصی و خلاف مقررات مربوط به اعمال حاکمیت توسط رژیم صهیونیستی، نقض حقوق مدنی مردم فلسطین، خسارت به جان و مال مردم و غیره می‌باشد. اما از جهت دیگر موضوعی که مطرح می‌شود این است که چه شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی مسئول ابعاد گوناگون این خسارتها هستند. مسئولیت رژیم صهیونیستی، اشخاص مجری این جنایت‌ها از جمله شخص نخست وزیر این رژیم، مسئولیت دولت آمریکا در حمایت از آن رژیم، مسئولیت سازمان ملل متحد در این زمینه با وجود نهاد شورای امنیت و به ویژه وجود حق وتو در این شورا و اختصاص داشتن آن به چند کشور از جمله کشورهای غربی بخصوص آمریکا قابل تحلیل و بررسی است.

ابتدا مطابق موازین حقوق اسلامی ارکان مسئولیت مدنی رژیم صهیونیستی را بررسی می‌کنیم، سپس ابعاد و حدود نقش سایر کشورها از جمله ایالات متحده و نقش نهاد پیشگیرانه سازمان ملل را بررسی و راهکارهای عملی نیز در راستای پیشگیری از چنین مواردی ارائه می‌شود.

۲- ارکان مسئولیت مدنی رژیم صهیونیستی

در مسئولیت مدنی لازم است سه رکن اصلی مسئولیت مدنی احراز شود. در مورد مسئولیت مدنی رژیم صهیونیستی ارکان وجود ضرر، رفتار زیان بار و رابطه سببیت بین رفتار زیان بار و خسارت وارده می‌باشد.

۲-۱- رفتار زیان بار رژیم صهیونیستی

مسلم است که رژیم صهیونیستی با بمب باران کردن اماکن، تأسیسات، منازل مسکونی و بیمارستان‌ها، مدارس و حتی آمبولانس‌ها و غیره رفتار زیان بار مرتکب شده است. بنابراین رفتار زیان بار صورت گرفته است. این رفتار زیان بار به حدی علنی و از لحاظ علمی ثابت شده و از لحاظ مفاهیم اجتماعی برای مردم دنیا روشن و بدیهی است که نیاز به استدلال مفصل و ارائه مستند در این پژوهش به آن ضروری نمی‌باشد. با این وجود می‌توان مطالبی را برای تحلیل دقیق‌تر موضوع مطرح نمود که مختصر به آن می‌پردازیم.

ممکن است متجاوزان اسرائیل در دفاع از خود این‌گونه مطرح کنند یا برخی در فضای مجازی یا حضوری مطرح کنند که اگر حماس اقدام به برنامه طوفان الاقصی نمی‌کرد اسرائیل هم در مقام جبران خسارت این خسارت‌ها را به فلسطین تحمیل نمی‌کرد. در پاسخ دفاعیات زیر را می‌توان مطرح کرد:

اول اینکه: در این صحنه جای غاصب و متجاوز که بی شک رژیم صهیونیستی است با مدافع عوض نمی‌شود. زیرا در تمامی این صحنه‌ها همچنان فلسطین و حماس و غزه به عنوان محبوسین در منطقه و مورد تجاوز قرار گرفتگان شناخته می‌شوند. مطابق قواعد حقوقی و موازین حقوق اسلامی هرگاه متجاوز دست از تجاوز خود بردارد و شخص مقابل به وی تجاوز کند آنگاه می‌توان گفت جای متجاوز عوض شده؛ در حالی که در این صحنه همچنان مردم مظلوم فلسطین با کمترین امکانات در حال دفاع بوده‌اند و هیچ‌گاه رژیم غاصب اسرائیل دست از تجاوز خود برنداشته بوده است که بتوان با این استدلال آن رژیم را در مقام دفاع از خود دانست و آن را دفاعی مشروع تلقی کرد که بحث دفاع مشروع نیز شرایط متعددی دارد و همانطوری در این استدلال آوردیم مضمول این رژیم قرار نمی‌گیرد.

دوم اینکه: مطابق قواعد و اصول مسلم پذیرفته شده در موازین فقهی و حقوق ایران و همچنین حقوق بین‌الملل هر شخصی اعم از حقیقی و حقوقی می‌تواند در مقابل تجاوز متجاوز دفاع کند و این دفاع تحت عنوان دفاعی مقدس از آن یاد می‌شود. بنابراین اقدام حماس با این رویکرد سنجیده می‌شود.

سوم اینکه: اقدام حماس را می‌توان کاملاً یک دفاع مشروع دانست شرایط دفاع مشروع را که بررسی کنیم یکی ضرورت

داشتن آن است در موردی که هفتاد و پنج سال مستمر مردمی در کشور خودشان مورد تجاوز قرار می‌گیرند دفاع کاملاً ضروری است و این موضوع را هر انسانی درک می‌کند. شرط دوم دفاع حتی در حقوق خصوصی تناسب داشتن دفاع می‌باشد هرچند این موضوع ارتباطی با تجاوز یک رژیم غاصب به مردم کشوری ندارد، با این حال در فرض جاری دانستن نیز هیچ شخصی اعم از شخص حقیقی و حقوقی و حتی خود اسرائیل نمی‌گوید که قدرت و امکانات دفاعی مردم غزه و فلسطین با اسرائیل حتی برابر است. بلکه آنها خود را رژیمی از هر جهت برتر از تمام دنیا می‌دانند رژیم اسرائیل مدعی بالاترین امکانات دفاعی، نظامی، امنیتی و جاسوسی است. تنها این اقدام حماس باعث شد اقتدار و اعتماد به نفس آنها را کامل زائل کند و در تاریخ دنیا چنین ترسیم کند که دیگر اسرائیل آن اسرائیل سالهای قبل نیست. به حدی که می‌توان در تحلیل سیاسی گفت تنها دلیل دستور ادامه جنگ توسط تخت وزیر آنها نتانیاهو بقای خود در این سمت است زیرا به محض خاتمه جنگ دوباره موضوع برکناری او مطرح خواهد شد. هرچند به لطف الهی این تصمیم های بی خردانه مسئولین اسرائیل ایام اندک بقای عمر رژیم آنها را کمتر خواهد نمود. به هر صورت در زمان دفاع کسی مدعی توازن قدرت نظامی و دفاعی آنها ندارد که البته با این اقدام حماس نشان داده شد نه اسرائیل آن ابرقدرت نظامی است و نه حماس آن افراد ضعیف ناتوان که توانایی هیچ اقدامی را ندارند. در موضوعات کیفری که هدف متعرض تجاوز به جان و مال اشخاص است دفاع یک واجب شرعی تلقی می‌شود و دفاع حماس همین حکم را داشته است.

شرط دیگر عدم دسترسی به مقامات دولتی است که در صحنه جنگ بین‌المللی این مورد را می‌توان به عدم وجود راهکاری غیر از دفاع فیزیکی و نظامی نام برد که در این زمینه مردم فلسطین هیچ راهکار دیگری را متمر ثمر ندیده‌اند. توسل به قوای بین‌المللی نیز با توجه به سیاست کشورهای غربی در عمل هیچ تأثیری برای احقاق حقوق آنها نداشته است. موضوع دیگر اینکه رفتار ایالات متحده آمریکا و رژیم غاصب اسرائیل گاهی در قالب سیاست کشتار هدفمندانه نیز توجیه می‌شود. حال آنکه پژوهش‌ها و مستندات عالم واقع و نتایج حاصل از این سیاست نامطلوب بوده و در راستای اعمال حقوق بشردوستانه نبوده و دقیق بر خلاف موازین و اصول حقوق بین‌المللی بوده [۱] که موجب نقض حقوق مردم و ایجاد خسارت-های جبران‌ناپذیر به آنها می‌گردد. بنابراین تحقق رفتار زیان‌بار از سوی رژیم صهیونیستی اتفاق افتاده است.

۲-۲- وجود ضرر

در راستای مفید و مختصر بودن بحث لازم است از پرداختن به بدیهیات خودداری شود بنابراین ورود ضرر به مردم فلسطین به طور قطع از بدیهیات است که نیاز به طی کردن فرآیندهای اثبات ندارد. در مسئولیت مدنی ضرر مادی، معنوی و بدنی مطرح است [۲]. ضررهایی که به مردم فلسطین وارد شده شامل ضررهای مادی، معنوی، بدنی می‌شود. در مورد ضررهای مادی کلیه خسارت‌هایی که عین اموال آنها یا منفعت آنها وارد شده یا حقی را به دلیل آن از دست داده‌اند شامل می‌شود و همچنین منافع ممکن‌الحصولی که از دست داده‌اند. در ضرر معنوی تمام ضررهایی که به حیثیت و شهرت آنها و عواطف مردم فلسطین وارد شده و از دست دادن عزیزان و آثار روحی و عاطفی آنان را می‌توان مطرح نمود. در ضرر بدنی نیز به شهادت رسیدن آمار بالای مردم فلسطین در طول این مدت و قطع عضوها و جراحات و مصدومیت‌های ناشی از بمباران و تیراندازی و تخریب‌ها ضرری مسلم است.

هرگاه ضرر به وجود آمده ناشی از رفتار عمدی و همراه با کینه توزی و بدخواهی باشد باید بر آن زیان‌زننده سخت گرفت و او را مسئول تمام زیان‌های وارده دانست [۲]. بدیهی است مطابق قواعد و اصول حقوقی در مورد رژیم صهیونیستی که رفتار زیان‌بار را عمدی انجام داده و نتیجه ضررها را از ابتدا قصد کرده و خواسته‌ی کینه‌توزانه او بوده ضامن جبران تمامی خسارات باشد. در این راستا علاوه بر استحقاق تحمل کیفر مکلف به جبران تمامی خسارت‌ها باشند.

ضمن اینکه وقتی رفتار کسی مطابق قواعد حقوقی و همچنین موازین فقهی غاصبانه باشد موضوع تحت شمول عنوان غصب قرار می‌گیرد و مسئولیت غاصب فراتر از جبران خسارت مدنی است. در این حالت حتی اگر ضرری هم وارد نشده باشد به صرف اثبات تحقق غصب برای ایجاد مسئولیت غاصب کفایت می‌کند. در این زمینه حتی اگر اموال مردم فلسطین و منازل آنها توسط رژیم غاصب یا اشخاص خصوصی آنها غصب شده باشد و عین مال نیز موجود باشد مکلف به رد عین می‌باشند و جبران خسارت ایام تصرف خود و پرداخت اجرت المثل ایام تصرف می‌باشند حتی اگر از آن عین استیفای منفعت نکرده باشند.

۲-۳- رابطه سببیت

در این زمینه می‌بایست تحلیل نمود که آیا عامل بروز خسارت به فلسطین همان رفتار اسرائیل می‌باشد؟ کمتر کسی در دنیاست که این موضوع را انکار کند، حتی خود اسرائیل نیز موضوع مذکور را رد نمی‌کند زیرا اذعان دارد که رفتار آنها باعث ایراد خسارت‌های زیادی به مردم فلسطین شده است. در مورد اسرائیل که رفتار غاصبانه دارد حتی اگر اموال و منازل مردم فلسطین که اشغال کرده را در ید خود دارد باید عین مال را رد کند و در صورتی که حتی عین بدون نقش آنها نیز تلف شود مکلف به جبران هستند. بنابراین در این فرض که غاصب هستند مسئولیت سنگین غاصب بر آنها صدق کرده و مکلف به جبران هستند حتی اگر رفتار زیان بار منجر به تلف و خسارت ناشی از اقدام آنها نباشد برای مثال در ایامی که آنها اموال مردم فلسطین را غاصبانه تصرف دارند و عودت نداده‌اند هرگاه در اثر سیل آن اموال تلف شده باشد باز هم مطابق موازین حقوق اسلامی، مسئول جبران تمامی خسارتها هستند.

۳- بررسی تقصیر

با عنایت به اینکه نظریه‌های مختلف در اثبات مسئولیت مدنی، تقصیر و ایجاد محیط خطرناک مطرح می‌شود می‌توان به موضوع تقصیر نیز پرداخت. به طور معمول در وارد خسارتها بحث انگیزه مشروع مرتکب رفتار زیان بار مطرح می‌شود که آیا انگیزه مشروع وی رافع مسئولیتش می‌باشد یا خیر که با رعایت حدودی رافع می‌باشد [۳]. اما در مورد این رژیم اصولاً بحث تعمد و مسئولیت‌های ناشی از آن مطرح می‌شود. در موضوع رژیم صهیونیستی و خسارت‌های مردم فلسطین، کمتر نظریه ایجاد خطر مطرح می‌شود و موضوع مورد بحث اثبات تقصیر اسرائیل است. وقتی که شخصی یا دولتی عمدا اقدامی را بر علیه جان و مال دیگران انجام می‌دهد تقصیر وی نیز محرز است. به علاوه اینکه وقتی غاصب تلقی می‌شوند مسئولیت مطلق دارند و در هر صورت حتی اگر رفتار زیان بار دیگری غیر از همان غصب انجام نداده باشند نیز مسئولیت دارند. بر همین مبنا اسرائیل که به صورت عمدی اقدام به تخریب و کشتار مردم فلسطین می‌کند تقصیر وی کامل مشخص است زیرا تعمدی بودن و ایراد خسارت گویای تقصیر است مگر اینکه از مصادیق رافع مسئولیت مدنی باشد که در فرض بحث ما مشمول چنین موضوعاتی قرار نمی‌گیرد.

۴- مبنا، مصادیق و محدوده خسارت‌های وارده به مردم فلسطین

مهمترین شاخه‌های خسارات که در باب مسئولیت مدنی اسرائیل می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد خسارات مادی، خسارات معنوی، خسارات جانی، خسارت ناشی از ضرب و شتم و جراحات می‌باشد. مسئولین جبران خسارت را در حوزه‌های مختلف می‌توان بررسی نمود. یکی مجموعه رژیم سیاسی اسرائیل هرچند آن

را حاکمیت مشروع و دولت قانونی نمی‌دانیم. از طرف دیگر اشخاصی که اقدام به این اعمال منجر به بروز خسارت نموده اند در قالب مسئولیت مدنی به عنوان مباشر ضامن خسارات هستند. در غصب که شخصی مال یا حق دیگری را برخلاف حق و به نحو عدوان مورد تجاوز قرار می‌دهد مسئولیت غاصب یا غاصبین فراتر از بحث مسئولیت مدنی در سایر موارد است [۴].

۵- نقش و میزان مسئولیت مدنی رژیم صهیونیستی در خسارتهای وارده به مردم مظلوم فلسطین

به طور کلی بدیهی است که در مسئولیت مدنی مبنی بر جبران خسارت ها تفاوتی نمی‌کند که زیان زنده‌ها از اتباع داخلی یک کشور باشند یا بیگانگان و بدین ترتیب تفاوتی ندارد که آیا اشخاص زیان زنده از اشخاص حقوق خصوصی یا حقوق عمومی باشند یا اینکه شخص حقیقی باشند. موضوع مهم ثابت شدن ارکان مسئولیت مدنی است تا اینکه زیان زنده مکلف به جبران خسارت باشد. هر چند در باب مسئولیت مدنی نیازی به اثبات سوء نیت نیز نمی‌باشد. با این وجود نظر به اینکه سوء نیت رژیم غاصب کامل محرز است اثبات مسئولیت مدنی جبران خسارت را آسان می‌نماید.

۶- بررسی نقش عوامل موثر در این خسارتهای در همراهی رژیم صهیونیستی

نهادهای و اشخاص دیگری در این زمینه با فعال یا ترک فعل در روی دادن این خسارت ها نقش داشته اند که نیاز به بررسی نقش آنها می‌باشد.

۶-۱- بررسی نقش سایر کشورها در خسارتهای وارده به مردم فلسطین

گاهی برخی از کشورها با برقراری ارتباط با رژیم غاصب و کمک‌های مالی به اسرائیل یکی از اقدامات نامشروع را در حمایت از ظلم ظالم انجام می‌دهند. مطابق موازین فقهی هیچ شخصی نباید با کار کردن یا کمک کردن به مستکبر و ظالم سبب تقویت کفر و ظلم شود. سایر کشورها می‌توانند در راستای پیشگیری از توسعه خسارتهای مردم فلسطین حمایت مادی و معنوی کنند. به طور قطع این حمایت‌ها باعث تقویت مظلوم و پیشگیری از ظلم ظالم می‌شود. اگر تمام دنیا اسرائیل را تحریم می‌کردند قدرتی برای انجام ظلم برایش باقی نمی‌ماند. همین اجرای برنامه روز جهانی قدس که به ابتکار بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) این فقیه بزرگ برنامه ریزی شد و در حال حاضر با ادامه آن راه توسط حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) حکیمی فرزانه به معنای واقعی اجرا می‌شود خود زمینه‌ای شده برای بیداری سایر کشورها تا از مردم فلسطین حمایت کنند.

امام خامنه‌ای مدتها قبل به این موضوع تصریح کردند که «بدیهی است، هر کس که آن رژیم متجاوز و متعرض و غیر قانونی را پشتیبانی می‌کند، در جرائم آن، سهیم و شریک است» [۵]. پس گاه مباشر در رفتار زیان بار اسرائیل است اما اشخاص حقیقی و حقوقی دیگری نیز در این جنایات و در نتیجه بروز خسارات نقش و مسئولیت دارند. بنابراین باید رابطه سببیت بین رفتار مجرمانه آنها و ورود زیان به مردم فلسطین را نیز بررسی کرد و مرتکبین در مقابل اعمال زیان‌بار خود هم از لحاظ کیفری و هم از حیث مسئولیت مدنی و غصب پاسخگو باشند.

۶-۲- نقش و میزان مسئولیت مدنی ویژه دولت آمریکا در خسارت‌های وارده به مردم فلسطین از باب مباشرت و تسبیب

مطابق موازین فقهی بسترسازی‌ها و حمایت‌های آمریکا از رژیم غاصب تنها به واسطه تسبیب نیست بلکه در خیلی از موارد نقش مباشر را دارد زیرا در صورتی که از طرف آمریکا حمایتی صورت نمی‌گرفت اسرائیل توانایی مقابله با فلسطین را نداشت و این حمایت‌هاست که آن رژیم را قادر به چنین اقداماتی نموده است. اقدامات آمریکا و حمایت‌های آنها در عمل نقش مباشر و معاون در حقوق کیفری از باب معاونت و شریک در جرم را دارد به ویژه در مواردی که موضوع خسارت جانی باشد و در مواردی که خسارت عمدی اتفاق افتد. پس باید رفتار آمریکا را در برخی موارد مصداق مباشرت در ورود زیان با مردم فلسطین دانست و در برخی موارد مجرمانه عنوان معاونت و در باب مسئولیت مدنی عنوان تسبیب دانست.

گاه آمریکا خودش نقش مستقیم در بروز خسارت و تشدید خسارت‌ها داشته است برای نمونه کامل روشن است که تصمیم به انتقال دادن سفارت آمریکا به فلسطین اشغالی تقصیر بزرگ دولت آمریکا و مسئولین تصمیم‌گیرنده در آن بوده است. این خود برخلاف موازین حقوق بین‌الملل بوده و به ویژه در نادیده گرفتن حقوق اماکن مقدسه، حقوق بین‌الملل عرفی و سایر موازین بین‌المللی است [۶]. این اقدامات گویای مباشرت دولت آمریکا و مسئولین آنها در نقض حقوق مدنی مردم فلسطین و خسارت‌های وارده به آنهاست که مطابق با موازین حقوق اسلامی می‌بایست پاسخگو باشند.

۶-۳- نقش سازمان ملل متحد و شورای امنیت در خسارت‌های وارده به مردم فلسطین

سازمان ملل متحد که نهادی بین‌المللی است و با هدف ایجاد صلح و امنیت در دنیا تشکیل شده و باید یک سازمانی با کارایی کامل باشد با این اساسنامه که قدرت مشروع و عقلایی جهت ایجاد صلح ندارد و تنها در راستای اهداف استکبار کار می‌کند، دلیل ماندگاری آن تاکنون غفلت و سکوت دنیا در مقام ظلم استکبار است. مهمترین نهاد این سازمان، شورای امنیت است که با هدف خاصی نه تنها ایجاد صلح بلکه برای حفظ و پایداری قدرت استکباری بنانهاده شده است. با وجود حق وتو در شورای امنیت این سازمان دچار مشکل شده و نتوانسته در عمل موفق باشد.

هر کجا حقی وجود دارد تکلیفی هم مطرح می‌شود اما به نظر نگارنده در سازمان ملل چنین مبنای حقوقی حاکم نبوده و حق وتو را به تعداد محدودی کشور و آن هم بدون مبنای عقلایی داده اند. یک سازمان بین‌المللی در این تاریخ که دنیای امروز بشری مدعی عقلانیت است و ادعا دارد که در امور خود به ویژه امور مهم عقلانیت حاکم است اما متأسفانه در خیلی از عرصه‌ها چیزی که جایگاهی ندارد استدلال عقلانی است. موارد متعددی را می‌توان مطرح کرد که بیان آن مجال جداگانه را می‌طلبد اما در این پژوهش به غیرعقلایی بودن حق وتو شورای امنیت می‌پردازیم. با پذیرفتن اصل حاکمیت و برابری دولتها در حقوق بین‌الملل که هیچ دولتی از دولت دیگری برتری ندارد و تمام دولتها با هم برابری بر اساس چه معیاری باید چند دولت حق وتو داشته باشند. حق وتو یعنی اگر تمام عقلای دنیا و تقریباً تمام دولتهای دنیا و تمام مردم دنیا یک کاری را کاملاً عقلایی بدانند یک دولت بتواند در عرصه بین‌المللی با آن مخالفت کند به نحوی که مخالفت وی باعث ایجاد اثر بین‌المللی شود. این قاعده کاملاً غیرعقلایی است. معلوم نیست بر اساس چه معیار عقلانی باید پذیرفت که مثلاً تمام دنیا با قطعنامه شورای امنیت موافق باشند و تنها دولت آمریکا به عنوان یک عضو آن شورا مخالف باشد و بتواند آن را وتو کند و جالب تر اینکه تمام دنیا به این حق وتو عملاً احترام گذاشته و سکوت کنند. این موضوع گویای غیرعقلایی بودن چنین فرآیندی در تصمیم‌گیری‌ها و برخوردهای شورای امنیت به عنوان نهادی از یک سازمان بین‌المللی در این قرن است که ادعای عقلانیت دنیا را فراگرفته است.

حال به دلیل عدم رعایت چنین مبنایی نمی‌توان وجود آن را منطقی و مشروع دانست. حتی برخی هم که برخلاف نظر

نگارنده، موافق حق و تو هستند به این موضوع تصریح دارند که وقتی چنین حقی داده می‌شود صاحب این حق در مقابل تصمیمی که می‌گیرد باید پاسخگو باشد و در حال حاضر چنین هم نیست [۷]. پس نمی‌توان نظر داد که همچنان باقی بودن حق و تو منطقی است. زیرا صاحب حق و تو در خیلی از موارد تنها بر اساس منافع شخصی خود و کشورش حق و تو را اجرا می‌کند و در مقابل هیچ شخصی، نهادی پاسخگو نبوده و حتی در مقابل مجمع عمومی سازمان ملل هم پاسخگو نیست. لذا به هیچ عنوان نمی‌توان چنین حقی را برای یک گروهی از اعضا به صورت ثابت و دائمی منطقی و عقلانی تصور کرد. هر چند در این پژوهش فرصت تحلیل کامل این موضوع نیست و هدف اصلی پژوهش هم بررسی این موضوع نیست اما به دلیل ارتباط آن با بحث بدان پرداخته شده؛ با این وجود پژوهش‌های انجام شده تاکنون از نظر اکثریت که با استدلال مخالف حق و تو هستند حکایت می‌کند. برخی از نویسندگان آن را به عنوان عاملی برای سلطه بر سایر کشورها شمرده‌اند [۸] و برخی آن را ناکارآمدی را در اجرا ناشی از بازتاب موازنه قدرت بین اعضای دائم شورای امنیت دانسته و در دوره‌های اخیر در قالب سیاست‌های وتوی پنهان و مشورت‌های غیررسمی تحلیل می‌کنند [۹]. به میزانی این تقابل قدرت و استفاده ابزاری کشورهای صاحب این حق غیرعقلایی از این حق باعث شده که گاه استفاده از این حق محدود شود. برخی آورده‌اند که این سیاست وتوی پنهان و غیرعلنی گاه توانسته تا حدودی حق و تو را محدود کند [۱۰]. بنابراین ناکارآمدی شورای امنیت با این حق و تو با شرایط فعلی مورد اتفاق تمامی نویسندگان بیدار حقوقی اعم از حقوق غیراسلامی و اسلامی می‌باشد.

دولت آمریکا با وتوی قطعنامه‌های منطقی شورای امنیت که به نفع مردم فلسطین بود باعث شد که زمینه بروز این خسارتها و تشدید آن فراهم شود. این ضعف ناشی از ناکارآمدی سازمان ملل و خاصه شورای امنیت آن است.

سازمان ملل متحد باید در راستای احقاق حق مردم فلسطین و جبران کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های خود در این زمینه، حداقل اعضای مجمع عمومی این خسارتها را محکوم و در دیوان بین‌المللی دادگستری استثنائاً حتی بدون رضایت رژیم اسرائیل پرونده‌ای باز کرده و به تمامی خسارت‌های وارده به مردم فلسطین اعم از خسارت‌های جانی و مالی و معنوی رسیدگی و با احراز ارکان مسئولیت مدنی آن رژیم را محکوم به جبران خسارت نموده و در اجرا نیز از اموال آن رژیم که قابل دسترسی است یا از اموال و مطالبات آنها در سایر کشور توقیف و به مردم فلسطین تسلیم نماید.

۶-۴- نقش دولتهای عضو سازمان ملل متحد

یکی از موضوعاتی که مطرح است اینکه گاه اشخاص با سکوت خود باعث مظلوم تر شدن مظلوم و تقویت روحیه ظالم می‌شوند. هر کشوری که کامل در این زمینه سکوت کرده از باب مسئولیت مدنی ضامن است. چرا باید یک کشور در این زمینه سکوت کند. انجام وظیفه حمایت از مظلوم در حقوق اسلامی و فقه ما از واجبات دینی شمرده شده و در اصول بین‌المللی و در حقوق داخلی کشورها از مصادیق حسن رفتار، عدالت، انصاف و امثال آنها یاد می‌شود و عدم رعایت آنها دارای ضمانت اجرای حقوقی است.

بنابراین کشورهای عضو سازمان ملل متحد باید با اقدامی شجاعانه تغییراتی را در ساختار این سازمان مطالبه نمایند و این کار می‌تواند با خروج آنی همه اعضا از سازمان اتفاق بیافتد یعنی سازمانی شود تنها با باقی بودن چند عضو نظیر آمریکا و تمامی کشورهای دنیا با هم یک سازمان جدیدی را با ساختار منطقی، حقوقی و مبتنی بر اصول کلی عقلایی بین‌المللی تشکیل دهند. به طور قطع این کار شدنی است هر چند اراده کشورهای دنیا را می‌خواهد و با بیدار بودن وجدان دولتمردان دنیا امکان پذیر است.

دولتهای عضو سازمان ملل متحد نیز گاه با سکوت خود در مقابل تجاوزات رژیم صهیونیستی نقشی در تقویت این رژیم داشته‌اند.

۶-۵- نقش احزاب، فعالان اجتماعی و نقش جایگاهی اشخاص و سلبریتی‌ها

احزاب باید در تطبیق واقعیت‌ها با اساسنامه و شعارهای محوری خود دقت نموده و اظهار مطالبی که حمایت سیاسی، معنوی از ظالم و متجاوز باشد و یا منجر به تضعیف روحیه مظلوم شود خودداری نمایند. همواره باید در حمایت از حق و عدالت صرف نظر از جنبه‌های مادی آن کوشا باشند. گاه برخی سلبریتی‌ها به دلایل مادی و غیره از ظالم و متجاوز حمایت می‌نمایند. چنین مواردی با شناخت مصادیق آن به نوعی تسبیب در بروز خسارت‌ها محسوب می‌شود و حمایت معنوی از مظلوم در تقویت روحیه آنها تأثیر دارد.

۷- ضرورت حمایت از مردم فلسطین

برخی هیچ اقدام موثری برای حمایت از فلسطین و غزه نداشته و برخی نیز آن را کاملاً غیرمرتبط با حقوق کشورها می‌دانند که لازم است در این مورد نیز بررسی نمود.

۷-۱- ضرورت حمایت ایران اسلامی از فلسطین از باب پیشگیری از ورود خسارت

مردم و دولت جمهوری اسلامی به خود می‌بالد که با رهبری حضرت امام خمینی (ره) اولین گام‌های حمایتی مادی و معنوی را برداشته و همچنان با رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با محوریت حمایت‌ها به مسیر حمایت از مظلوم ادامه می‌دهد. همین اقدام‌ها باعث جهانی شدن روز قدس و حتی در طول سال نیز بیداری اسلامی و حمایت از مظلوم شده است. امام خامنه‌ای در مورد مقاومت مردم فلسطین و دفاع مشروع آنها فرموده‌اند: «در این ماجرای دردآور، همه چیز یک ملت - سرزمینش، خانه و مزرعه و دارایی‌هایش، حرمت و هویتش - مصادره شده است. این ملت به توفیق الهی شکست را نپذیرفته و از پا ننشسته و امروز از دیروز پرشورتر و شجاعانه‌تر در میدان است؛ ولی نتیجه‌ی کار نیازمند کمک همه‌ی مسلمانان است» [۵]. ایشان نتیجه کار را کمک سایر مسلمان دنیا می‌دانند. در موضوع بحث ما به طور قطع یکی از این نتایج پیشگیری از بروز خسارت‌ها و تشدید خسارت‌هایی است که به مردم فلسطین وارد می‌شود. بنابراین یکی از راهکارهای مهم حمایت جامع از مردم فلسطین می‌باشد.

«از نظر امریکایی‌ها، بزرگترین عیب جمهوری اسلامی این است که غضب غاصبان صهیونیست نسبت به فلسطین را قبول نمی‌کند» [۵]. همین حمایت از مردم فلسطین که از همان ابتدا توسط ایران پیگیری و استمرار داشته و مورد تأکید مسئولین و اقرار غاصبین بوده باید استمرار یابد تا نتیجه حاصل شود.

هرگاه ما خود را در کنار مردم مظلوم فلسطین بدانیم باید از آنها نیز حمایت کنیم. در موضوع مسئولیت مدنی یکی از نکات مهم این است که هرگاه زیان دیده در ورود خسارت نقشی داشته باشد خودش نیز باعث بروز خسارت شده و ممکن است در مطالبه خسارت نتواند عدم نقش خود و رابطه سببیت بین رفتار زیانبار غاصب و زیان وارده را ثابت نماید. بنابراین در راستای اینکه تنها مطالبه‌کننده خسارت باشیم باید در برابر تجاوزهای غیرقانونی آنها نیز سکوت نکنیم که همین سکوت زمینه عصیانگری ظالم را فراهم می‌کند. این موضوع در موازین فقهی و جامعه اسلامی تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر یاد می‌شود که هرگاه جامعه آن را ترک کند تمام جامعه عذاب خواهند شد و عواقب آن نیز تمام جامعه را می‌گیرد. بنابراین تمامی کشورها و مردم دنیا مکلفند از مردم فلسطین حمایت کنند. یکی حمایت مادی در صورت امکان و به موجب موازین فقه اسلامی ضروری است. دیگری حمایت معنوی که حداقل اقدام حمایتی است و از واجب‌ترین و کم‌هزینه‌ترین اقدام محسوب می‌شود که با این تأثیر بسیار زیادی در این زمینه دارد.

۷-۲- ضرورت حمایت از باب پیشگیری از بیشتر شدن خسارت

با همان استدلال که نباید در مورد تحقق ظلم سکوت شود هرگاه ظلمی هم شروع شد باید جلوی پیشروی آن ظالم و تعدی و تجاوز وی که منجر به تشدید خسارتها می‌گردد ایستاد. در این زمینه با شروع ظلم نیز تمام مردم دنیا و دولتها باید از مظلوم حمایت و در برابر ظلم ظالم از سکوت خودداری نمایند و تا می‌توانند به هر طریقی به مظلوم کمک کنند تا نهایتاً ریش کن شدن کامل ظلم ظالم حاصل شود یا ظالم دست از ظلم کردن می‌کشد یا اینکه سرنگون و نابود می‌شود.

۷-۳- ضرورت حمایت مردم دنیا از فلسطین

امام خامنه‌ای نیز فرموده‌اند: «روز قدس، آن روزی است که ملت‌های مسلمان بی واسطه‌ی مقامات رسمی حرف‌شان را در دنیا مطرح می‌کنند» [۵]. بنابراین صرف نظر از رویکرد شخص حقوقی و دولتها در دنیا که برخی از آنها رویکردهایی مغایر با رویکرد مردم و یا اکثریت مردم و یا حداقل رویکردی مخالف با برخی از مردم خود دارند، مردم بیدار و بصیر خود نیز باید مستقل از دولتها و نگاه حقوقی و سیاسی آنها اقدام به حمایت از مظلوم نمایند. این موضوع علاوه بر اینکه تکلیف مردم دنیاست یک راهکار مهم پیشگیری از خسارت‌های وارده به مردم فلسطین می‌باشد. علاوه بر این مردم دنیا هر شخص آزادمردی باید این نگاه حمایت از فلسطین را داشته باشد و کم‌کم وجدان خاموش و ناآگاه خیلی از مردم بصیر کشورهای غربی نیز بیدار شده و همپای ایران اسلامی با نگرش حقوق اسلامی در این زمینه فعالیت می‌کنند، پویش به راه می‌اندازند، تجمع می‌کنند که می‌توان گفت این رویکرد بیداری حقوق بشر واقعی است نه حقوق بشر غربی، لذا این موضوع حمایت مختص حقوق ایرانی اسلامی هم نیست و تمام مردم دنیا با وجدان بیدار باید از فلسطین حمایت کنند بخصوص کشورهای اسلامی با حقوق اسلامی باید در این مسیر پیشگام و الگو باشند.

۸- تکلیف دولتها در پیشگیری از ایراد خسارت به مردم فلسطین

برای تحقق اهداف مقابله با رژیم صهیونیستی و جلوگیری از ظلم و در نهایت در صورت عدم تحقق اهداف سرنگونی و نابودی نهایی ظالم دولتها تکالیفی را بر عهده دارند که به نظر نگارنده این موارد را می‌توان مطرح نمود:

۱- ممنوع کردن خرید و فروش کالاهایی که به هر عنوان حتی یک ریال منفعت آن به رژیم غاصب می‌رسد اعم از مستقیم یا تحت لیسانس یا اقدام شرکت فرعی برای دور زدن ممنوعیت باشد (تحریم اسرائیل).

امام خامنه‌ای مهمترین رکن حمایت از ملت فلسطین را قطع پشتیبانی از دشمن غاصب است می‌دانند و این مسئولیت را وظیفه‌ی بزرگ تمامی دولت‌های اسلامی بر شمرده‌اند [۵]. در صورتی که کشورها و مردم دنیا از محصولاتی که سودی از آنها به اسرائیل می‌رسد خرید نکنند قدرت اقتصادی آنها کم شده و از توانایی جنگیدن و تجاوز آنها نیز کاسته می‌شود، در نتیجه جلوی بروز خسارت و تشدید خسارت به مردم فلسطین نیز گرفته می‌شود.

۲- حمایت سیاسی و معنوی از مردم فلسطین

این حمایت می‌تواند با پخش صحنه‌های مظلومیت آنها، عدم پذیرش اسرائیل در عرصه‌های سیاسی ملی و بین‌المللی و غیره باشد.

۳- تلاش برای حمایت مالی و انتقال وجه به مردم فلسطین

۴- تلاش برای کمک رسانی اقلام و ضروریات پیشگیری از تشدید بیماری‌ها و خسارت‌های فلسطین

۵- تلاش برای ارسال تسهیلات و امکانات دفاع مشروع به دولت و مبارزین فلسطینی و حتی مردم فلسطین

۶- ترغیب سایر مسئولین سیاسی کشورها در راستای حمایت از مردم مظلوم جهت پیشگیری از خسارتهای جانی و مالی در فلسطین

همین اقدامی که رئیس جمهور محترم جمهوری اسلامی ایران جناب آقای دکتر رئیسی انجام دادند و در نامه‌هایی به پنجاه کشور درخواستی با چنین مضمونی داشتند. این اقدام باید توسعه یابد و مطالبه فراگیر تمامی کشورها شود.

۷- حمایت حقوقی در عرصه‌های بین‌المللی از مردم فلسطین برای احقاق حق خود، همچنین قبولی وکالت آنها در دادگاه‌های بین‌المللی

۸- با رعایت تدابیر لازم حمایت تسلیحاتی از مردم فلسطین در قالب کمک به دفاع مشروع که در حقوق اسلامی پذیرفته شده است. حتی کلیت آن در حقوق بشر امروزی نیز پذیرفته شده هرچند در مقام اجرا و عمل که با مصداق مواجه هستیم استکبار با ابزار سیاسی خود مصداق را تفسیر به رأی برای حفظ منافع خود می‌کند برای نمونه فلسطین را متجاوز می‌داند یا برخی بزرگان را تروریست می‌داند و آن هم ناشی خصلت استکباری آنهاست. البته دنیا و به ویژه کشورهای اسلامی در راستای اجرای حقوق اسلامی نباید در مقابل این زورویی‌ها سکوت کنند بلکه باید اقدام عملی موثر انجام دهند.

۹- نتیجه‌گیری

با عنایت به ضرورت بررسی مسئولیت مدنی رژیم صهیونیستی علاوه بر مسئولیت کیفری در مقام بررسی ارکان مسئولیت مدنی، رکن فعل زیان‌بار بررسی شد. نتایجی که به دست آمد اینکه رفتار زیان‌بار این رژیم تعدی بوده و اثبات تحقق رفتار زیان‌بار نیز با سختی مواجه نمی‌باشد. رکن دوم تحقق ضرر زیان‌های مادی، معنوی و بدنی که برای مردم فلسطین اتفاق افتاده و رکن سوم رابطه سببیت که بین رفتار زیان‌بار و ضرر وارده وجود دارد نیز احراز شد. در بررسی نقش دولتها در خسارتهای فلسطین نیز این نتیجه احراز شد که برخی دولتها از جمله آمریکا در برخی موارد به مباشرت ضامن بوده و در مواردی به عنوان تسبیب ضامن جبران خسارتهاست زیرا در صورت عدم پشتیبانی توسط آنها از قدرت ظلم کاسته میشد و در هر مورد باید به تفکیک بررسی نمود و حکم داد. سایر کشورها نیز گاه با سکوت خود و گاه با همراهی این رژیم در خسارتهای نقش دارند که به عنوان تسبیب مطرح می‌شود. نقش سازمان ملل با وجود نهاد شورای امنیت نیز بررسی شد که با توجه به وجود حق وتو در این نهاد که موجب اصلی ناکارآمدی آن است موفق به انجام وظیفه نشده و دست استکباری و اهداف آنها به ویژه ایالات متحده آمریکا اصلی‌ترین عامل بوده ولی مطابق ضوابط سازمان ملل با این همه ناکارآمدی صاحبان حق وتو هیچ کجا پاسخگو نیستند. پیشنهاد می‌شود این سازمان نیز تغییر اساسی یابد و این مهم با وحدت دولتهای غیراستکباری میسر و امکان پذیر است.

در راستای پیشگیری از مصادیق مشابه در دنیا می‌بایست سازمان ملل متحد و نهاد شورای امنیت آن کارآمد باشد در این زمینه لازم است که در اساسنامه سازمان ملل با حضور تمامی کشورهای دنیا بازنگری شود و حق وتو کامل حذف و به صورت دوره‌ای اعضای شورای امنیت تعیین و رأی آن با اکثریت مطلق و نسبی مثلا سه چهارم اعضا جایگزین شود.

در هر زمینه خسارتی باید به ترتیب اولویت بندی تصمیم گرفت و در صورت امکان همزمان برخی اقدامات را انجام داد. در مورد خسارتهای وارده به مردم فلسطین و در راستای پیشگیری از ورود ضرر اولین راهکار این بود اجازه تجاوز داده نشود که این مهم گذشته و تجاوز صورت گرفته است. مرحله دوم اعمال راهکارهای پیشگیری از تشدید خسارتهای می‌باشد که راهکارهای عملی متعددی در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت از جمله ممنوع کردن خرید و فروش کالاهای مرتبط با رژیم غاصب و تحریم رژیم صهیونیستی، حمایت سیاسی و معنوی از مردم فلسطین، تلاش برای حمایت مالی از مردم فلسطین، تلاش برای کمک رسانی اقلام و ضروریات درمانی، تلاش برای ارسال تسهیلات و امکانات دفاع مشروع، ترغیب

مسئولین سیاسی کشورها به حمایت از مردم مظلوم، حمایت حقوقی در عرصه های بین المللی از مردم فلسطین برای احقاق حق خود و همچنین حمایت تسلیحاتی از مردم فلسطین می‌باشد.

مرحله سوم مطالبه تمام خسارتهای مادی، معنوی و بدنی وارده به مردم فلسطین است که این مورد سوم را نیز می توان برخلاف سایر موارد و حتی بدون رضایت رژیم غاصب بر مبنای اصول عقلایی و بنیادین پذیرفته شده در دنیا از جمله اصل عدالت و انصاف، لاضرر و منع سوء استفاده از حق، مطرح و در دیوان بین المللی دادگستری طرح دعوی نمود و حکم محکومیت اسرائیل مورد انتظار است. هرچند ممکن است مطرح شود که بدون اخذ رضایت اسرائیل تحمیل یک موضوع است در پاسخ اولاً اسرائیل را نمی توان به عنوان یک شخص حقوقی و دولت مشروع تلقی کرد ثانیاً سایر اصول مورد استنادی در تعارض با این اصل است و نمی توان تمام اصول عقلایی را کنار گذاشت.

۱۰. مراجع

۱. لسانی، حسام الدین و منفرد، مهوش (۱۳۹۶)، تأملی بر مشروعیت سیاست کشتار هدفمند از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶
۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵)، الزام های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، ج ۱ قواعد عمومی، چاپ چهاردهم، انتشارات دانشگاه تهران
۳. بیکی شورکی، مهدی و کریمی، عباس (۱۴۰۳)، تأثیر مشروعیت انگیزه در ضمان قهری، دوفصلنامه علمی-پژوهشی آموزه های فقه مدنی
۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۷)، الزام های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، ج ۲ مسئولیت های خاص و مختلط، گنج دانش
۵. امام خامنه‌ای، سیدعلی حسینی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری. (<https://www.leader.ir>)
۶. مقامی، امیر؛ ملت، محمدرضا و احسن نژاد، مسعود (۱۳۹۷)، انتقال سفارت آمریکا به سرزمین های اشغالی فلسطین از منظر حقوق بین الملل، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره دهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷
۷. شافع، میرشهبیز و دولاح، عبدالصمد (۱۳۹۵)، کارایی حق وتو در پیشگیری از نقض حقوق بشر با تأکید بر مناقشه فلسطین، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره هفتاد و هشت.
۸. مجدی نسب، عزت الله (۱۳۷۴)، حق وتو امتیاز یا عامل سلطه، مجله حقوقی دادگستری، دوره پنجاه و نه، شماره سیزده-چهارده، تیر ۱۳۷۴
۹. موسی زاده، رضا و جمشیدی، ارسلان (۱۳۹۱)، تحول در نحوه کاربرد حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجله سیاست جهانی، دوره اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۱
۱۰. رجبی، سعید؛ میرعباسی، سیدباقر و صلاحی، سهراب (۱۴۰۰)، بررسی رویه های تحدید حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۶۶.